عوامل سازمانی مؤثر بر فرار از مالیات بر ارزش افزوده
(مطالعه موردی اداره کل مالیات بر ارزش افزوده شهر تهران)

حسن الماسی[۱]
امیربابک مرجانی[۲]
راهله قریشی[۳]

تاریخ دریافت:۱۳۹۱/۳/۳ تاریخ پذیرش:۱۳۹۱/۶/۲۹

چکیده

هدف پژوهش حاضر که با روش توصیفی پیمایشی صورت گرفته است، بررسی عوامل سازمانی مؤثر بر فرار از مالیات بر ارزش افزوده در شهر تهران است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه متخصصان و کارشناسان اداره کل مالیات بر ارزش افزوده شهر تهران و مؤدیان مالیاتی این اداره تشکیل می دهند. از بین این افراد بر اساس روش نمونه گیری تصادفی متناسب با حجم و از طریق فرمول تعیین حجم نمونه کوکران، تعداد ۳۸۲ نفر مؤدی و ۱۳۲ نفر کارشناس انتخاب گردید. ابزار پژوهش، پرسشنامه ساخته شده توسط محقق است که جهت سنجش روایی از روایی محتوایی، صوری و روایی سازه (تحلیل عامل) استفاده شده است. پایایی ابزار پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ ۰.۹۴ برآورد گردید. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از تحلیل عاملی و تی تک متغیره استفاده شده است. یافته ها نشان می دهد که بیشترین میانگین نمره پاسخ در بعد سازمانی از نظر متخصصان مربوط به سؤالات «عدم توانایی در کشف مبادلات و داده های غیرواقعی و تقلبی»، « عدم توانایی در برقراری عدالت مالیاتی (تبعیض بین مؤدیان با وضعیت مشابه)»، «ناتوانی تکنولوژیکی در شناسایی و ثبت صحیح مؤدیان مالیاتی » است. همچنین بیشترین میانگین نمره پاسخ از نظر مؤدیان مربوط به سؤالات « ناکافی بودن سیستم اطلاع رسانی و آموزش به مؤدیان»، « عدم توانایی در برقراری عدالت مالیاتی (تبعیض بین مؤدیان با وضعیت مشابه)»، « تشریفات بیش از حد در انجام تکالیف قانونی توسط مؤدیان» است.

واژه های کلیدی: مالیات بر ارزش افزوده، عوامل سازمانی و مدیریتی، فرار مالیاتی

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهر ان مرکز
۲- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
۳- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز (نویسنده مسئول)

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-10-12]

۱- مقدمه

یکی از کارکردهای نظام مدرن مالیات بر ارزش افزوده، کاهش فرار از پرداخت مالیات است که به شفافیت و اصلاح ساختاری نظام مالیاتی کشور کمک شایانی نموده است. اما با این وجود به نظر می رسد همچنان عوامل زیادی در حوزه های فرهنگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، سازمانی، و قانونی وجود دارند که شکافی بین توانایی بالقوه پرداخت مالیات بر ارزش افزوده و مقدار واقعی پرداخت آن ایجاد کرده اند. این مسأله هزینه های زیادی را بر نظام مالیاتی و به تبع آن سایر ارکان تولیدی و خدماتی کشور وارد کرده است و موجب فرار از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده شده است. چیستی و ماهیت عوامل از یک سو و ضریب اهمیت هر یک از این عوامل بنا به اقتضائات هر کشوری متفاوت است. بر این اساس در این مقاله به عوامل فرار از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده در بعد سازمانی با رویکردی پژوهشی پرداخته شده است.

۲- بیان مسأله

مالیات بر ارزش افزوده[1] یکی از بهترین، کاراترین و پردرآمدترین منبع تأمین درآمد مالیاتی دولت ها است (جیبوئرز و پارشچ،۲۰۰۳؛ کاستلز،۲۰۰۳؛ اسچنگ،۲۰۱۱). مالیات بر ارزش افزوده نوعی مالیات غیرمستقیم[2] چند مرحله ای بر مصرف است که در مراحل مختلف تولید و توزیع براساس درصدی از ارزش افزوده کالاهای تولید شده و یا خدمات ارائه شده اخذ می گردد (آلثونایان،۲۰۱۰). در اقتصاد خرد مالیات بر ارزش افزوده نمایانگر مالیات بر درآمد ناشی از ارزشی است که در یک بنگاه کسب و کار، به یک محصول یا خدمت افزوده شده و از دریافت مالیات صرفاً در یک بنگاه و یا محل مصرف نهایی اجتناب می شود (خط مشی نظام مالیاتی میشیگان[3]،۲۰۱۰).

اگرچه یکی از اهداف به کارگیری مالیات بر ارزش افزوده، افزایش تمکین مالیاتی و کاهش فرار مالیاتی است اما بررسی ها نشان داده اند که فرار مالیاتی در این نظام مالیاتی نیز وجود دارد و همچنان این مسأله ذهن پژوهشگران را به خود مشغول ساخته است که عوامل مؤثر بر فرار از مالیات بر ارزش افزوده چیست؟

1 .Value Added Tax (VAT)
2. Indirect Tax
3 .Outline of the Michigan Tax System

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-10-12]

صندوق بین المللی پول[1] ۲۰۰۷ در بررسی های خود نشان داد نظام مالیات بر ارزش افـزوده همچـون سایر نظام های مالیاتی آسیب پذیر است و امکان فریب و فرار مالیاتی در آن وجـود داد. ممکـن اسـت اصلاح ساز و کارهای اداری، جرایم سنگین و همچنین استفاده از تجهیزات پیشرفته تا حـدی کـاهش دهنده تخلفات مالیاتی باشد. گزارش زیر قیمت فـروش، نارسـایی در ثبـت نـام، واردات کـالای بـدون پرداخت مالیات، ادعای دروغین، معاملات ساختگی، تفاوت نرخ، اسـتفاده از معافیـت هـا و.... از جملـه روش های عدم همکاری و فرار در مالیات بر ارزش افزوده است (کن و اسمیت ، ۲۰۰۷).

توجه به مالیات بر ارزش افزوده انگیزه هـای سـرمایه گـذاری را افـزایش داده و منـــابع لازم جهـت گسترش سرمایه گذاری را از طریق افزایش امکان پس‌انداز تأمین نموده و از انتقال سـرمایه از بخـش های مولد به بخش های خدماتی جلوگیری می کند. تمایل به استفاده از نظام مالیات بر ارزش افـزوده به عنوان یک نظام مدرن مالیاتی، یکی از راهکارهایی است که بـه شـفافیت نظـام مالیـاتی و اصـلاح ساختاری آن کمک می نماید. به نظر می رسد فرار مالیاتی در زمینه جابه‌جایی نرخ ها و انتقال گلوگـاه های مالیاتی و استفاده از جهل قانونی نسبت به پرداخت مالیات بر ارزش افزوده می تواند صورت گیرد؛ فرار مالیاتی در حوزه ارزش افزوده در ایران، نظام مالیاتی را به طور جدی رنج می دهد؛ چرا که از یک سو پایه مالیات های مستقیم بسیار محدود و ضعیف و از سوی دیگر اتکای شدید بر درآمدهای نفتی و شکاف موجود بین توان مالیاتی بالقوه و درآمد مالیاتی حاصله دولت ضرورت توجه به مالیات بـر ارزش افزوده که پایه گسترده ای دارد و وصول بخش بیشتری از ظرفیت های بالقوه را مهیا مـی کنـد دارای اهمیت می گردد. نتایج تحقیقات در ایران نشان مـی دهـد بـه‌کـارگیری ایـن نظـام مالیـاتی علیـرغم کارکردهای مؤثر فوق، آثـار منفـی متعـددی از جملـه افـزایش قیمـت هـا[2] را در بـر دارد (فریـد زاد و همکاران،۱۳۹۰).

ناین و تائولی (۲۰۱۰)، در تحقیقی با عنوان «اصلاح مالیات بر ارزش افزوده، رفتـار و عملکـرد شـرکت های چینی»[3] دریافتند اصلاحات صورت گرفته در نظام مالیات بر ارزش افزوده باعث افـزایش سـرمایه گذاری در دارایی های ثابت و افزایش بهره وری نیروی کار و افزایش بهره وری در شـرکتهای چینـی

1 . International Monetary Fund
2. Price increases
3 . China’s Value-added Tax Reform, Firm Behavior and Performance

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-10-12]

شد. این در حالی است که افزایش بهره وری نیروی کار باعث افـزایش سـرمایه و بـه طـور مشـخص باعث کاهش در استخدام گردید.

از سوی دیگر با افزایش پرداخت های هزینه ای مشمول مالیات بر ارزش افزوده، فرار مالیاتی افزایش می یابد و به عبارتی تمکین مالیاتی کاهش خواهد یافـت. همچنـین، افـزایش در احتمـال رسـیدگی و کشف فرار مالیاتی و افزایش نرخ جریمه[1]، در مواردی که پرونده مالیاتی رسیدگی نمـی شـود، افـزایش تمکین مالیاتی و در نتیجه کاهش فرار مالیاتی را موجب خواهـد شـد (موسـوی جهرمـی و همکـاران، ۱۳۸۸).

سازمان مالیات بر ارزش افزوده که جهت شفاف سازی نرخ مالیاتی و کاهش فرار مالیـاتی و همچنـین افزایش عدالت در راستای دریافت مالیات از مؤدیان تشکیل شده همچنان با این مسأله مواجه است که چرا علی‌رغم تلاش های صورت گرفته در نظام مالیات بر ارزش افزوده، هنوز فرار مالیاتی وجـود دارد؟ از این رو با درک اینکه چه عواملی بر فرار مالیاتی مؤثر است؛ می توان تا حد معقـولی بـر کـاهش آن تأثیر گذاشت. یافتن راهکارهایی برای کاهش فرار از مالیات بر ارزش افزوده از دغدغه های اصلی نظام مالیات بر ارزش افزوده است.

بررسی های متعددی در زمینه فرار از پرداخت مالیات در داخل و خارج صورت گرفته است که هر یـک دلایل و علل اصلی فرار از پرداخت مالیات را مورد واکاوی قرار داده اند.

در مدل پایه ای آلینگهام و ساندمو (۱۹۷۲) علت فرار از مالیات به نااطمینـانی در رفتـار دولـت اشـاره دارد. وقتی دولت نرخ مالیات بر درآمد را تغییر می دهد، خانوارها با توجه به احتمال بازرسی و همچنین اعمال جریمه، ممکن است در تصمیم گیری خود برای سرمایه گـذاری و مصـرف تجدیـد نظـر کننـد. جعفری و حمزه ای (۱۳۸۴) معتقدند به ترتیب، عوامل ساختاری، قانونی و سازمانی بـه عنـوان عوامـل فرار مالیاتی، و از میان متغیرهای تحقیق ضعف گردش پولی کشور، ضـعف نظـام اطلاعـات مالیـاتی و پیچیدگی قوانین مالیاتی به ترتیب بیشترین تأثیر را در ایجاد فرار مالیاتی دارند. عواملی چـون طـولانی بودن و زمان‌بر بودن رویه های اجرایی (ثبت نام، ارائه اظهارنامـه، اسـترداد)، نبـود بسـترهای مناسـب شناسایی و اعمال جرایم قانونی و پایین بودن کیفیت آموزش جهت اجرا بـرای کـادر مالیـاتی از جملـه عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی شناسایی شده اند (سیاحی، ۱۳۸۸). محمـد نـوربخش و جـوادی نیـک گـو

1. Penalty rates

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-10-12]

(۱۳۸۸) در بررسی موانع استقرار کامل نظام مالیات بر ارزش افزوده در ایران به سه دسته عوامل مؤثر در بعد بیرونی (کلان و خرد) و عوامل درونی اشاره کردند. انتظارات تورمی افراد جامعه، فرهنگ مالیاتی[1]، اقتصاد زیرزمینی و قاچاق[2]، افزایش نابرابری اجتماعی افراد جامعه، نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی[3] از جمله عوامل بیرونی کلان و ضعف در سیستم حسابداری مالیات بر ارزش افزوده[4]، هزینه های اداری- مالی مؤدیان، سنتی بودن نحوه پرداخت های مؤدیان از جمله عوامل بیرونی خرد برشمرده شده است. همچنین ضعف در اطلاع رسانی سازمان مالیات بر ارزش افزوده، فقدان بانک اطلاعاتی جامع مؤدیان، تعداد ناکافی نیروی انسانی سازمان مالیات بر ارزش افزوده، پیچیدگی اجرا و کنترل نظام مالیات بر ارزش افزوده در سازمان، سطح پایین بهره‌گیری از فناوری ارتباطی در سازمان مالیات بر ارزش افزوده، زمان نامناسب اجرای مالیاتی از جمله عوامل درونی مطرح گردیده اند. نتایج تحقیق خان‌جان (۱۳۸۵) بیانگر آن است که افراد مورد بررسی که جملگی سابقهٔ فرار مالیاتی (عدم تمکین) عامدانه را در آخرین سال مالی خود داشته‌اند، عموماً از دیدگاه خوش‌بینانه‌ای نسبت به نهادهای رسمی برخوردار نبوده‌اند. در بین نهادهای بررسی شده، نهاد قانون اساسی در دامنه مطلوب، ارزش‌گذاری شده است در حالی که دولت، قانون مالیات‌های مستقیم و دستگاه مالیاتی دارای شرایط مطلوب از دیدگاه فراریان مالیاتی نبوده‌اند (خان‌جان، ۱۳۸۵).

به زعم زاکلان و همکاران (۲۰۰۹) عوامل متعد سیاسی و سازمانی در فرار از مالیات مؤثر هستند و می توان با سازو کارهای تنبیه و اجبار در خصوص جرایم، فرار از مالیات را به حداقل رسانید.

مالیات بر ارزش افزوده با وجود اینکه مزایای متعددی مانند پایین بودن نرخ مالیاتی، کاهش انگیزه فرار مالیاتی، خنثی بودن نسبت به متغیرهای اقتصادی، قابلیت انعطاف‌پذیری زیادتر نسبت به سایر نظام های مالیاتی دارد (آقایی و کمیجانی، ۱۳۸۰) اما همچنان با معضل فرار از مالیات مواجه است. از این رو به نظر می رسد یکی از مهم ترین عوامل مؤثر در فرار از پرداخت مالیات در کنار عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، عوامل سازمانی باشد. بر این اساس این تحقیق درصدد است تا عوامل مؤثر بر فرار

1 . Tax Culture
2 . Underground economy and smuggling
3 . Welfare and Social Security
4 . Accounting for VAT

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-10-12]

مالیاتی را در بعد سازمانی شناسایی و میزان اهمیت هر یک از آنها را از نظر متخصصان و مؤدیان مالیاتی در شهر تهران مشخص نماید.

۳- سؤالات تحقیق

۱- چه عوامل سازمانی بر فرار از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده در شهر تهران مؤثر است؟

۲- میانگین نظر متخصصان و مؤدیان مالیاتی در خصوص عوامل مؤثر بر فرار از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده در بعد سازمانی در شهر تهران در چه سطحی می باشد؟

۴- روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش کلیه متخصصان و کارشناسان اداره کل مالیات بر ارزش افزوده شهر تهران و مؤدیان مالیاتی این اداره در سال ۱۳۹۱ می باشند. از بین این افراد بر اساس روش نمونه گیری تصادفی متناسب با حجم، تعداد ۳۸۲ نفر مؤدی و ۱۳۲ نفر کارشناس بر اساس فرمول زیر انتخاب گردید:

$$n = \frac{Nt^2pq}{Nd^2 + t^2pq} = \frac{70000 \times 3.84 \times 0.5 \times 0.5}{70000 \times 0.0025 + 3.84 \times 0.5 \times 0.5} = 382$$

$$n = \frac{Nt^2pq}{Nd^2 + t^2pq} = \frac{200 \times 3.84 \times 0.5 \times 0.5}{200 \times 0.0025 + 3.84 \times 0.5 \times 0.5} = 132$$

جدول(۱)- اطلاعات مربوط به محاسبه حجم نمونه

		مؤدیان	متخصصان
n	حجم نمونه	۳۸۲	۱۳۲
N	حجم جامعه	۷۰۰۰۰	۲۰۰
t	سطح اطمینان قابل قبول	۱/۹۶	۱/۹۶
p	نسبتی از جمعیت دارای صفت معین	۰/۵	۰/۵
q	نسبتی از جمعیت فاقد صفت معین	۰/۵	۰/۵
d	دقت احتمالی مطلوب یا فاصله اطمینان	۰/۰۵	۰/۰۵

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-10-12]

جمع آوری اطلاعات در بخش اول کتابخانه ای و با مراجعه به منابع موجود مرتبط داخلـی و خـارجی صورت گرفت و از آنجایی که رایج ترین وسیله جمع آوری اطلاعات در تحقیقات پیمایشی پرسشنامه[۱] است، برای جمع آوری اطلاعات در بخش دوم از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. از طریق پست الکترونیکی و همچنین توزیع پرسشنامه به صورت دستی اطلاعات جمع آوری گردید. از مجموع پرسشنامه های توزیع شده ۳۷۰ پرسشنامه از مؤدیان و ۱۲۰ پرسشنامه از کارشناسان بازگشت که مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جهت سنجش روایی از روایی محتوایی[۲] و صوری[۳] و روایی سازه[۴] اسـتفاده شد. جهت تایید روایی سازه از تحلیل عاملی[۵] استفاده گردید.

از تحلیل عاملی برای پی بردن به اجزاء زیر بنایی مؤلفه های اصلی استفاده شده است. از آزمون های کیزر مایر اولکین [۶] جهت بررسی کفایت تعداد نمونه و همچنین از آزمون کروی بارتلت[۷] جهت بررسـی بررسی معنی داری همبستگی داده ها (با ضریب خی دو بررسی می شـود) اسـتفاده گردیـد. از آزمـون تحلیل واریانس یک طرفه[۸] برای مقایسه میانگین متغیرهای کمی در بـین ۲ یـا بیشـتر از ۲ گـروه بـا عوامل جمعیت شناختی (رتبه دانشگاهی، رشته تخصصی و سن) استفاده شده است. همچنین از آزمون تی تک متغیره برای مقایسه میانگین نمرات با میانگین طیف در این پژوهش استفاده شد. پایایی ابـزار پژوهش از ضریب الفای کرونباخ[۹] ۰.۹۴ برآورد گردید.

۵- یافته های پژوهش

در بررسی سوال اول پژوهش در خصوص تبیین عوامل مؤثر بر فرار از مالیات بر ارزش افزوده و تعیین بار عاملی هر یک از عوامل جدول زیر نشان دهنده بار عاملی هر یک از عوامل مؤثر بر فرار از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده در شهر تهران است.

1. Questionarie
2. Content validity
3. Face validity
4. Construct validity
5. Factor analysis
6. Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy (KMO)
7. Bartlett's Test of Sphericity
8. Anova (Analysis of Variance) one a way
9. Coronbachs Alpha Coefficient

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-10-12]

جدول (۲)- تحلیل عوامل فرار از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده در بعد سازمانی

عوامل سازمانی	اندازهKMO	بار عاملی
ناتوانی تکنولوژیکی در شناسایی و ثبت صحیح مؤدیان مالیاتی	۰/۸۲۱	۰/۷۱۴
عدم توانایی در برقراری عدالت مالیاتی(تبعیض بین مؤدیان متشابه الوضع)		۰/۵۵۷
پیچیدگی فرآیند های اجرایی و فرمهای مالیاتی		۰/۶۹۶
تشریفات بیش از حد در انجام تکالیف قانونی توسط مؤدیان		۰/۶۳۵
طولانی بودن فرآیند رسیدگی به اختلافات مالیاتی		۰/۶۱۱
ناکافی بودن سیستم اطلاع رسانی و آموزش به مؤدیان		۰/۵۷۴
مکانیزه نبودن سیستم مالیات		۰/۶۰۰
عدم توانایی در کشف مبادلات و داده های غیر واقعی و تقلبی		۰/۷۳۶
عدم همکاری دستگاه ها در جهت کاهش فرار مالیاتی		۰/۵۲۴
عدم استرداد به موقع توسط سازمان امور مالیاتی		۰/۶۵۵
کمبود نیروی انسانی متخصص و آموزش ناکافی مأموران مالیاتی		۰/۷۱۴
عدم اتکاء سازمان به تحقیقات علمی در خصوص فرار مالیاتی		۰/۵۸۳
عدم توانایی در پیگیری ثبت مبادلات مشمول مالیات بر ارزش افزوده		۰/۶۱۷
ناکافی بودن تشویقات مالیاتی		-۰/۰۵۴

بر اساس یافته های جدول (۲)، بیشترین ضریب عاملی در بعد سازمانی مربوط به گویهٔ «عدم توانایی در کشف مبادلات و داده های غیر واقعی و تقلبی » با بار عاملی ۰/۷۳۶ و کمترین ضریب عاملی مربوط به گویهٔ « ناکافی بودن تشویقات مالیاتی » با بار عاملی ۰/۰۵۴- است. مقدار **KMO** در باب کفایت نمونه گیری برابر ۰/۸۲۱ بوده که مقدار بالا و قابل قبولی است. هم چنین بارهای عاملی هر یک از زیر مؤلفه ها بر روی بعد سازمانی به جز عامل آخر بالاتر از ۰/۵ می باشد. به این ترتیب گویه « ناکافی بودن تشویقات مالیاتی » از سؤالات پرسشنامه حذف گردید.

در بررسی سؤال دوم پژوهش که به بررسی عوامل مؤثر بر فرار از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده در بعد سازمانی از نظر متخصصان و مؤدیان امور مالیاتی شهر تهران پرداخته است؛ جدول زیر نشان دهنده میانگین، انحراف معیار و نتیجه آزمون تی در خصوص هر یک از گویه های مطرح در بعد سازمانی است.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-10-12]

جدول (۳)- میانگین، انحراف معیار، میانگین رتبه ای و تی تک متغیره با میانگین فرضی ۳ در خصوص عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در بعد سازمانی از نظر متخصصان و مؤدیان

سؤالات	گروه ها	میانگین	انحراف معیار	میانگین رتبه ای	T	درجه آزادی	سطح معنی داری
ناتوانی تکنولوژیکی در شناسایی و ثبت صحیح مؤدیان مالیاتی	متخصص	۴/۱۲	۰/۹۰	۸/۱۰	۱۳/۸۰۱	۱۲۲	۰/۰۰۱
	مؤدی	۳/۷۵	۱/۰۵	۸/۲۷	۱۳/۷۹۹	۳۶۹	۰/۰۰۱
عدم توانایی در برقراری عدالت مالیاتی(تبعیض بین مؤدیان متشابه الوضع)	متخصص	۴/۱۰	۰/۸۷	۸/۱۳	۱۳/۹۹۸	۱۲۲	۰/۰۰۱
	مؤدی	۴	۰/۷۳	۸/۵۵	۲۶/۴۰۲	۳۶۹	۰/۰۰۱
پیچیدگی فرآیند های اجرایی و فرمهای مالیاتی	متخصص	۳/۷۲	۱/۰۹	۶/۴۵	۷/۳۲۱	۱۲۲	۰/۰۰۱
	مؤدی	۳/۴۱	۱/۲۱	۶/۸۱	۶/۵۲۹	۳۶۹	۰/۰۰۱
تشریفات بیش از حد انجام تکالیف قانونی توسط مؤدیان	متخصص	۴/۰۲	۰/۹۷	۷/۵۶	۱۱/۷۰۵	۱۲۲	۰/۰۰۱
	مؤدی	۳/۸۴	۱/۱۱	۸/۴۲	۱۴/۶۰۸	۳۶۹	۰/۰۰۱
طولانی بودن فرآیند رسیدگی به اختلافات مالیاتی	متخصص	۳/۹۳	۰/۹۸	۷/۲۴	۱۰/۴۷۸	۱۲۲	۰/۰۰۱
	مؤدی	۳/۷۸	۰/۹۶	۸/۰۱	۱۵/۶۲۰	۳۶۹	۰/۰۰۱
ناکافی بودن سیستم اطلاع رسانی و آموزش به مؤدیان	متخصص	۴/۰۶	۱/۰۲	۷/۷۹	۱۱/۵۵۵	۱۲۲	۰/۰۰۱
	مؤدی	۴/۱۱	۰/۸۶	۹/۳۵	۲۴/۷۶۲	۳۶۹	۰/۰۰۱
مکانیزه نبودن سیستم مالیات	متخصص	۳/۸۸	۱/۲۴	۷/۶۶	۷/۸۶۷	۱۲۲	۰/۰۰۱
	مؤدی	۳/۶۰	۱/۱۷	۷/۶۰	۹/۹۲۱	۳۶۹	۰/۰۰۱
عدم توانایی در کشف مبادلات و داده های غیر واقعی و تقلبی	متخصص	۴/۱۹	۰/۹۷	۸/۵۴	۱۳/۶۳۳	۱۲۲	۰/۰۰۱
	مؤدی	۳/۵۲	۱/۱۸	۷/۳۶	۸/۶۳۲	۳۶۹	۰/۰۰۱
عدم همکاری دستگاه ها در جهت کاهش فرار مالیاتی	متخصص	۳/۹۸	۱/۰۵	۷/۷۶	۱۰/۳۳۵	۱۲۲	۰/۰۰۱
	مؤدی	۳/۳۱	۰/۹۹	۶/۵۱	۶/۱۷۳	۳۶۹	۰/۰۰۱

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-10-12]

سؤالات	گروه ها	میانگین	انحراف معیار	میانگین رتبه ای	T	درجه آزادی	سطح معنی داری
عدم استرداد بـه موقـع توسـط سازمان امور مالیاتی	متخصص	۳/۸۵	۱/۰۶	۶/۹۶	۸/۹۲۲	۱۲۲	۰/۰۰۱
	مؤدی	۳/۴۱	۱/۱۴	۶/۹۲	۷/۰۶۵	۳۶۹	۰/۰۰۱
کمبود نیروی انسانی متخصص و آمـوزش ناکـافی مـأموران مالیاتی	متخصص	۴/۱۱	۰/۸۲	۸/۰۱	۱۵/۰۳۰	۱۲۲	۰/۰۰۱
	مؤدی	۳/۴۷	۱/۱۰	۷/۰۹	۸/۲۰۰	۳۶۹	۰/۰۰۱
عدم اتکاء سازمان به تحقیقات علمی در خصوص فرار مالیاتی	متخصص	۳/۸۵	۰/۹۱	۶/۸۱	۱۰/۳۸۷	۱۲۲	۰/۰۰۱
	مؤدی	۳/۴۱	۱/۰۲	۶/۴۶	۷/۷۶۰	۳۶۹	۰/۰۰۱
عدم توانایی در پیگیـری ثبـت مبادلات مشـمول مالیـات بـر ارزش افزوده	متخصص	۳/۷۸	۱/۱۲	۶/۷۰	۷/۶۷۸	۱۲۲	۰/۰۰۱
	مؤدی	۳/۱۲	۱/۱۳	۵/۸۳	۲/۱۵۸	۳۶۹	۰/۰۳۲

یافته های جدول (۳) حاکی از آن است که بیشـترین میـانگین نمـره پاسـخ در بعـد سـازمانی از نظـر متخصصان با میانگین های رتبه ای به ترتیب ۸/۵۴، ۸/۱۳، ۸/۱۰ مربوط به سؤالات «عدم توانایی در کشف مبادلات و داده های غیر واقعی و تقلبی »، « عدم توانایی در برقراری عدالت مالیـاتی (تبعـیض بین مؤدیان متشابه الوضع)»، « ناتوانی تکنولوژیکی در شناسایی و ثبت صحیح مؤدیان مالیاتی » مـی باشد. هم چنین بیشترین میانگین نمره پاسخ از نظر مؤدیان با میانگین های رتبه ای به ترتیـب ۹/۳۵، ۸/۵۵، ۸/۴۲ مربوط به سؤالات « ناکافی بودن سیستم اطلاع رسانی و آموزش به مؤدیـان»، « عـدم توانایی در برقراری عدالت مالیاتی (تبعیض بین مؤدیان متشابه الوضع)»، « تشریفات بیش از حد انجام تکالیف قانونی توسط مؤدیان» می باشد. جدول فوق همچنـین نشـان دهنـده ایـن مطلـب اسـت کـه میانگین محاسبه شده از سطح میانگین فرضی ۳ بالاتر بوده و مقدار T، نشان می دهد کـه در سـطح ($P<0.005$) معنادار است.

۶- بحث و نتیجه گیری

به دلیل اهمیتی که امروزه موضوع فساد مالی و تبعات آن بر جامعه دارد، در این مقاله سعی شده اسـت عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در ارزش افزوده به عنوان یک عامل فساد مالی مـورد بررسـی قـرار گیـرد.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-10-12]

نتایج پژوهش اخیر نشان داد یکی از معضلات حاکم بر نظام مالیات بر ارزش افزوده، عدم آگاهی مؤدیان از وظایف و تکالیف خود به جهت عدم کفایت اطلاع رسانی و آموزش به مؤدیان می باشد به طوری که فقدان این آگاهی در بین مؤدیان سرچشمه بسیاری از مفاسد اداری می باشد. در عین حال همین امر تأثیر بسزایی در کاهش در آمدهای دولت خواهد داشت. همچنن لزوم برقرای عدالت مالیاتی بین مؤدیان متشابه الوضع به عنوان عاملی که مؤدیان و متخصصان بر آن اتفاق نظر داشته اند شناسایی گردیده است. اهمیت ساده سازی فرآیندهای پیچیده نظام مالیاتی بر افزایش اثر بخشی و کارآیی دستگاه مالیاتی و در نهایت تمایل و رغبت مؤدیان به پرداخت مالیات نقش مؤثری را داراست. از نکات قابل توجه در این تحقیق به اذعان مؤدیان و متخصصان، عدم توانایی در کشف مبادلات و داده های غیر واقعی توسط سازمان امور مالیاتی، به عنوان عامل اصلی فرار مالیاتی شناسایی گردیده و ناکافی بودن تشویقات مالیاتی از سوی آنان رد شده است.

نتایج این تحقیق نشان داد توجه به مسائلی همچون ناتوانی تکنولوژیکی در شناسایی صحیح مؤدیان مالیاتی، عدم توانایی در برقراری عدالت مالیاتی (تبعیض بین مؤدیان متشابه الوضع)، پیچیدگی فرآیند های اجرایی، مکانیزه نبودن سیستم وصول مالیات، عدم توانایی در پیگیری ثبت مبادلات مشمول مالیات بر ارزش افزوده، ضعف سیستم پاسخگویی، عدم اجرای شرایط استرداد توسط سازمان امور مالیاتی، عدم توانایی در کشف معاملات ساختگی، ناکافی بودن تشویقات مالیاتی، عدم اتکاء به تحقیقات علمی در خصوص فرار مالیاتی و.... از جمله مسائلی هستند که در بعد سازمانی زمینه فرار مالیاتی در نظام مالیات بر ارزش افزوده را فراهم می کنند.

یافته های این پژوهش با بخشی از یافته های جعفری و حمزه ای (۱۳۸۴) و سیاحی (۱۳۸۸) همراستایی دارد. جعفری و حمزه‌ای در بررسی خود با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی (مطالعه موردی صنف طلا فروشان استان مازندران) نشان دادند ضعف گردش پولی کشور، ضعف نظام اطلاعات مالیاتی و پیچیدگی قوانین مالیاتی به ترتیب بیشترین تأثیر را در ایجاد فرار مالیاتی داشتند. سیاحی در بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی مؤدیان نظام مالیات بر ارزش افزوده از نگاه کادر مالیاتی اداره کل مالیات بر ارزش افزوده استان تهران دریافت وجود پیچیدگی و تناقضات در برخی از مواد قانون، طولانی بودن و زمان‌بر بودن رویه های اجرایی (ثبت نام، ارائه اظهارنامه، استرداد)، نبود بسترهای مناسب شناسایی و اعمال جرائم قانونی و پایین بودن کیفیت آموزش جهت اجرا برای کادر مالیاتی از جمله عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی هستند.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-10-12]

از آنجائی که کشور ایران در مراحل اجرای آزمایشی نظام مالیات بر ارزش افزوده می باشد و در مدت کوتاه اجرای قانون در جذب و فراگیر کردن این نظام به موفقیت چشمگیری دست یافته است، لذا حفظ و جلب اعتماد مؤدیان به تثبیت و موفقیت این نظام کمک شایانی می نماید. در این راستا کشف عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در بدو امر ضروری به نظر می رسد. یکی از وظایف مدیران مالیاتی آگاهی رساندن به مؤدیان برای سهولت بیشتر کار و مطلع نمودن مردم در قبال قوانین مالیاتی است. آگاهی مردم از آیین نامه ها و بخشنامه ها و تصمیمات سازمان مالیاتی از مشکلات آتی می کاهد و موجب تمکین و فرمانبرداری مؤدیان می شود، از طرف دیگر ارائه خدمات و کمک به مؤدیان موجب اعتماد مؤدیان به سیستم مالیاتی می گردد. همچنین نقش آموزش، بهبود و توسعه دوره های آموزشی متناسب با شغل و حرفه مؤدیان از ضروریات امر می باشد. از آنجائی که عدالت مالیاتی ریشه در فرهنگ اسلامی دارد، هرچه فعالیت دستگاهها برای بالا بردن سطح باورها و ارزش های مردم بیشتر باشد بازده آن دستگاه اجرایی بیشتر خواهد بود. برنامه تخصیص شماره اقتصادی به اشخاص حقوقی گام مهمی در جلوگیری از فرار مالیاتی و اجرای عدالت مالیاتی محسوب می گردد. همچنین نصب صندوق فروش به طور دقیق می تواند حساب و کتاب مالیات را مشخص کند. در راستای سهولت انجام تکالیف و وظایف قانونی مؤدیان، طراحی فرم ها و رویه های ساده اداری، تمکین مالیاتی را تشویق می نماید.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-10-12]

فهرست منابع

۱. آقایی، الهمحمد؛ اکبر کمیجانی (۱۳۸۰)، مبانی نظری مالیات بر ارزش افزوده و مزایای آن در راستای اصلاح نظام مالیاتی، پژوهشنامه اقتصادی شماره ۲، صص ۱۵۸-۱۳۵.

۲. سیاحی گرگری، مهرانگیز (۱۳۸۸)، بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی مؤدیان نظام مالیات بر ارزش افزوده از نگاه کادر مالیاتی اداره کل مالیات بر ارزش افزوده استان تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.

۳. جعفری، احمد؛ علی اکبر حمزه ای (۱۳۸۴)، بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی: مطالعه موردی صنف طلا فروشان استان مازندران، مجموعه اقتصاد شماره ۳۴، صص ۳-۲۰.

۴. خان جان علیرضا (۱۳۸۵)، پتانسیل های فرار و تقلب در نظام مالیات بر ارزش افزوده: بازخورد تجربه عملیاتی کشورهای در حال توسعه، مجله اقتصادی، شماره ۳۷ و ۳۸.

۵. فریدزاد، علی؛ سهیلا پروین؛ علی اصغر بانویی(۱۳۹۰)، اثرات قیمتی مالیات بر ارزش افزوده با استفاده از تکنیک داده - ستانده (مورد ایران)، پژوهشهای اقتصادی ایران شماره ۱۶، صص ۱۰۵-۱۲۷.

۶. موسوی جهرمی، یگانه؛ فرهاد طهماسبی بلداجی؛ نرگس خاکی (۱۳۸۸)، فرار مالیاتی در نظام مالیات بر ارزش افزوده: یک مدل نظری، فصلنامه مالیات شماره ۱۷، صص ۲۷-۳۸.

۷. محمد، نوربخش لنگرودی؛ محسن جوادی؛ محمدرضا نیک گو (۱۳۸۸)، بررسی موانع استقرار کامل نظام مالیات بر ارزش افزوده در ایران، مالیات، شماره ۷؛ صص ۱۱۵-۱۳۸.

8. Althunayan Turki (2010), Dealing with the Fragmented International Legal Environment Differentiation Between Direct and Indirect Taxe, springerlink published Pp2-23 DOI: 10.1007/978-3-642-04678-0_1

9. Allingham MG and Agnar S.(1972), Incom Tax Evasion: A Theoretical Analysis, Journal Of Public Economic, No.1, Pp. 323-338.

10. Schenk A. and O. Oldman (2007), Value Added Tax: A Comparative Approach; Beckley, CRS issue brief for Congress.

11. ebauer Andrea and Parsche Rüdiger (2003), Evasion of Value-added Taxes in Europe: IFO Approach to Estimating the Evasion of Value-added Taxes on the Basis of National ACcounts Data (NAD).

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-10-12]

12. Keen Michael and Smith Stephen (2007), VAT Fraud and Evasion: What Do We Know, and What Can be Done? Fiscal Affairs Department, IMF Working Paper.
13. Lazarev I. A. and A. S. Pleshchinskii (2007), Value added taxation: A mesoeconomic analysis, Studies on Russian Economic Development, Volume 18, No. 4, Pp. 428-435.
14. Zaklan Georg, Frank Westerhoff and Dietrich Stauffer (2009), Analysing tax evasion dynamics via the Ising model, Journal of Economic Interaction and Coordination, No.1, Pp.1-14.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-10-12]